

A man in a dark jacket is working at a sewing machine in a textile factory. The machine is on a table covered with a white cloth. There are various spools of thread and other sewing supplies on the table. In the background, there are more sewing machines and shelves with spools of thread. The factory has a high ceiling and large windows.

راهبرد جایگزین کردن واردات

به این ترتیب دولت چاره‌ای جز این ندارد که با حمایت هدفمند تولیدکنندگان داخلی ابتدا فاعلانه به بهار واردات کالا هم از نوع قانونی و هم از نوع کالاهای قاچاق بپردازد. هم‌زمان تسهیلات لازم برای ورود سرمایه جهانی و فناوری به بازار داخلی را به وجود آورد. این الگویی است که کشورهای موفق مانند کره جنوبی، چین و بسیاری دیگر از کشورها چندین دهه پیش اتخاذ کردند و پس از افزایش بازده کار در اقتصاد داخلی آن را پشت سر گذاشتند و زمانی که فاعل به رقابت با تولیدکنندگان قدرتمند در بازار جهانی شدند، وارد بازار جهانی شدند. هم در کره جنوبی و هم در چین پیشرفته‌ترین تولیدکنندگان کشورهای صنعتی در چند دهه اخیر سرمایه‌گذاری قابل‌توجه کردند و تکنولوژی‌های پیشرفته خود را به این دو کشور انتقال دادند. در چین این الگو با سیاست‌گذاری‌ها و تضمین‌های قوی دولت پیاده‌سازی شد و رقابت در بازار داخلی و افزایش بازده کار را آن‌گونه تشدید کرد که کل اقتصاد چین در موقعیتی قرار گرفت که توانست با استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری از یک طرف و سطح مزد پایین از طرف دیگر قدرت رقابت تولیدکنندگان چینی را در بازار جهانی آن‌گونه افزایش دهد که نه‌تنها اقتصاد این کشور در سه دهه به دومین اقتصاد قدرتمند جهان تبدیل شود بلکه بیلان تجاری‌اش بیش از ۵۰ هزار میلیارد دلار مازاد تجارت داشته باشد.

البته از این توضیحات
نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که

ایران هم می‌تواند الگوی چین را مو به مو پیاده کند. شرایط تاریخی اقتصاد چین در نیم قرن اخیر با شرایط اقتصاد ایران قابل قیاس نیست. در چین دولت و حزب کمونیست چین اقتصاد کلان این کشور را کاملاً تحت کنترل خود دارند و اقتصاد کلان آن اقتصاد برنامه‌ای است. با تکیه به نقش دولت و اهداف درازمدت آن در راستای صنعتی‌کردن کشور و به‌کاربردن کارآوا منابع طبیعی و انسانی و جلوگیری از تقسیم عادلانه ثروت، یقه تأمین قدرت خرید لازم در بازار داخلی چین موفق شده در سه دهه گذشته از رونق و رشد اقتصادی بین ۱۰ تا ۱۶ درصد در سال برخوردار شود. ضمن اینکه دولت به مرور و گام‌به‌گام اقتصاد خود را به بخش خصوصی و حتی سرمایه‌داری خارجی محول کرد. شرایط اقتصادی که جنوبی در چهار دهه پیش بیشتر به شرایط اقصاد امروز ایران نزدیک است. در هر صورت تجربه تاریخی او در الگوی موفق نشان می‌دهد که مهم‌ترین اقدام دولت در حال حاضر مهار واردات کالا از بازار جهانی و اتخاذ راه جایگزین‌کردن واردات توسط تولید داخلی و حتی با شرکت سرمایه خارجی است. ایده چندان هم تازه‌ای ندارد و در ادبیات توسعه اقتصادی در کشورهای عقب‌افتاده به عنوان الگو «جایگزین‌کردن واردات» معروف است.

س دولت

توجه به اینکه تولیدکنندگان ایرانی هنوز در
حیثیت رقیب در بازار جهانی نیستند، نقیض دولت
تولید می پیدا می کند. هیچ نمونه تاریخی‌ای وجود
دارد که کشورها عقب‌مانده، یعنی با باره سطح
تولید، کمک دولت موفق به رقابت در بازار
ای شده باشند. برعکس همه الگوهای موفق در
رونق اقتصادی، با دخالت و حمایت مستقیم
دولت از رکود ساختاری عبور کرده و به رشد پایدار
پایان می‌رسد. برای نمونه، ایران الگوی رکوبی و
را در منظر قرار داد. در هر نمونه، راهبر رونق
دولت، شامل دو اهرم وابسته به یکدیگر یعنی
واردات ملایم به بازار جهانی از یک طرف و تسهیلات
سرمایه به بازار داخلی از طرف دیگر می‌شود.
هفتمین مرحله واردات به تولیدکنندگان داخلی ایران
را می‌توان به‌عنوان تولیدات خود را گسترش دهند

به دلیل از اینکه به دلیل تهاجم کالا از بازار جهانی به ششگسنگی رسیده و از دار آید، بارده کار خود را ش دهند و تسهیلات ورود سرمایه از بازار جهانی امکان را به وجود می آورد که از یک طرف کمبود مایه جریان شود و تولید داخلی افزایش پیدا کند و دیگر، رقابت سازنده در بازار داخلی و زیر چتر بت افسارگسخته، افزایش بارده کار، تولیدکنندگان می را تا دواوم بخشد. طرفداران نگرش نئولیبرالی اوت میان رقابت تولیدکنندگان داخلی در بازار می و رقابت در حالی از زیر چتر حمایتی دولت بچاند و این در حالی است که رقابت نوع اول، به ی تولیدکنندگان ایرانی منتهی می شود و رقابت دوم، ادامه حیات آنها را تضمین می کند. نسخه کمال آزاد که اقتصاددانان نئولیبرالی برای حل مشکلات ساختاری اقتصاد و بدون رعایت شرایط نص در لحظات گوناگون می پیچند، بیشتر انعکاس بیان گرای است و تا نگرش علمی فاصله بسیار دارد. این در حالی است که با تکیه به نگرش و رعایت همه شرایط، می توان برای بازار کالا ر به ستر ا پیشهاد کرد و در مقابل و هم زمان، برای سرمایه از بازکردن ماملایطه در هر طرفداری کر.

پروفسور محسن مسرت: یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت، گذر از رکود ساختاری اقتصاد کشور است که از نگرش نویسنده، چنان‌چه از اقدامات پرانکند دولتی صرف‌نظر کنیم، هنوز به‌طور اساسی در دستور کار دولت قرار گرفته است. رونق اقتصاد ایران در به‌عوامل بسیاری بستگی دارد و این عوامل نیز هر یک نقش متفاوتی دارند. بی‌توجهی به اصل مشکل ایجاد رونق اقتصادی امکان اتلاف وقت و اتخاذ سیاست‌گذاری‌های به‌ظاهر مفید ولی عملاً گمراه‌کننده را تشدید می‌کند؛ زیرا رونق اقتصادی به عوامل گوناگونی بستگی دارد که بعضی از آنها کلیدی و تعدادی دیگر فرعی هستند و در مواردی نیز مانع رونق می‌شوند. مهم‌تر از همه، اما شرایط تاریخی یعنی الگوی واقعی موجود اقتصاد است که تشخیص آن نیز به درک اهرم‌ها و راهبردهای کلیدی کمک می‌کند. در این نوشته ابتدا به تعریف عوامل گوناگون و نقش آن‌ها در رونق اقتصادی پرداخته می‌شود و سپس با توجه به نقش و کاربرد عوامل در شرایط مشخص تاریخی امروز، توضیحاتی درباره چگونگی استفاده از آنها و سیاست‌گذاری داده می‌شود.

به‌طورکلی، لازم است اهرم‌ها و عوامل رونق را در هر دو حوزه اقتصاد کلان بررسی کرد؛ در حوزه عرضه کالا از یک طرف و در حوزه تقاضا از طرف دیگر. اگر جنبه عرضه کالا را در نظر بگیریم، کارفرمایان در سیستم سرمایه‌داری هنگامی تولید را گسترش می‌دهند که تولید سودآور باشد و این سود نیز در سطحی باشد که حداقل به‌طور متوسط از سود بانکی کمتر نباشد؛ در غیر این صورت، تمایل به تولید کم شده و سرمایه‌ها به بانک‌ها سرازیر می‌شوند. سود تولیدکننده نیز نباید از هزینه سرمایه بالاتر باشد؛ در غیر این صورت، انگیزش سرمایه‌گذاری در تولید از بین می‌رود. این عوامل سرمایه‌عامل مهم هزینه‌ای است؛ در نتیجه نرخ سطح پایین هزینه وام، تمایل به تولید را تقویت می‌کند. برعکس، عامل مهم دیگر، هزینه نیروی کار است که البته این عامل از نگرش عرضه کالا جزو خارج محسوب می‌شود. ولی از منظر تقاضای کالا در رونق نقش اساسی پیدا می‌کند. اگرچه این عامل از تولیدکننده هزینه‌ای است و در صورت کاهش آن، تولید سود بیشتری دارد اما این نوع هزینه از نگرش تقاضا و اقتصاد ملی درآمده انبوه نیروی کار و بنابراین قدرت خرید بازار نیز هست و نشیانی برای رکود یا رونق خرید است و حتی نقش کلیدی، پیدا می‌کند. اصلاً زمانی تمایل به تولید

در بازار ملی افزایش پیدا می‌کند و رونق اقتصادی ممکن می‌شود که قدرت خرید انبوه جامعه قوی باشد؛ در غیر این صورت، تولیدکنندگان حتی اگر همه رزگرومات‌ها را خرید سود رو به افزایش داشته باشند باز برای ما مزاد تولید و بهره‌ری می‌شوند؛ زیرا تقاضا برای ما به جذب کل عرضه نیست و کارفرمایان با اجبار تولید را کاهش می‌دهند و این خود یعنی رکود. البته راه دیگری هم با وجود کافی نبوده قدرت خرید داخلی برای رونق وجود دارد و این راه گسترش صادرات و کسب ارز است. برای نمونه، کشور آلمان در سه دهه اخیر از این طریق موفق به جبران ضعف در قدرت خرید بازار داخلی اقتصاد آلمان و رونق و رشد نسبی اقتصادی شده است. می‌دانیم که این راه برای کشورهای مانند آلمان باز است که از قدرت رقابتی قوی در بازار جهانی برخوردار هستند، اما از آنجایی که تولیدکنندگان ایرانی در اکثر موارد قادر به رقابت در بازار جهانی نیستند، این راه برای رونق اقتصادی ایران کاملاً به‌تنه است.

نقش دولت

با توجه به اینکه تولیدکنندگان ایرانی هنوز در موقعیت رقابت در بازار جهانی نیستند، نقش دولت اهمیت پیدا می‌کند. هیچ نمونه تاریخی‌ای وجود ندارد که کشورهای عقب‌مانده، یعنی با بازده سطح پایین تولید، بدون کمک دولت موفق به رقابت در بازار جهانی شده باشند. برعکس همه الگوهای موفق در ایجاد رونق اقتصادی، با دخالت و حمایت مستقیم دولت از رکود ساختاری عبور کرده و به رشد پایدار رسیده‌اند. برای نمونه، می‌توان الگوهای کره جنوبی و چین را مدنظر قرار داد. در هر دو نمونه، راهبر رونق حمایت دولت، شامل دو اهرم وابسته به یکدیگر یعنی مهار واردات کالا از بازار جهانی از یک طرف و تسهیلات ورود سرمایه به بازار داخلی از طرف دیگر می‌شود. مهار هدفمندانه واردات به تولیدکنندگان داخلی امکان را می‌دهد که تولیدات خود را گسترش دهند.

جمهوری اطلاعات

زندگی در قعر حیات اطلاعاتی



حامد اکبری

- امی نویسم، پنج روز
ریل ذهاب می‌گذرد و
بقا نظر درباره تعداد
خدمات رسانی، اقلام
روستاهایی که به آنها
هنوز درگیر مشکلات
داد. اگر کسی حداقل
های سیاست‌گذاری،
ائی کشور داشته باشد،
یکی از موانع اصلی و
فرایندهای خدماتی،
سور است. در فاجعه
روال جاری در کشور،
کمان‌ها آغاز و با سعی
پیدا کرده است.

ده است.

هر کس که با نیت خیر مآجور، اقدام به کمک‌رسانی با حضور در منطقه کرده است، در غیبت منابع تولید و راستی‌آزمایی اطلاعاتی و منابع خبری دقیق، بر اساس مشاهدات خود، تدبیری برای مدیریت بحران اتخاذ کرده و با ظرفیت ارتباطی شبکه‌های اجتماعی، راسا اقدام به اطلاع‌رسانی و جهت‌دهی به روش، مسیر و نوع اقلام مورد نیاز کرده است. متأسفانه سوار شدن بر موج عواطف مردمی، صحنه را مملو از زانکازا آمدی‌ها و درهم‌ریختگی‌ها کرده است. سلب‌بیتی‌ها و مشابه‌گر قمار بود با استفاده از سرمایه اجتماعی خود در جمع‌آوری کمک‌های مردمی نقش آفرینی کنند، مع‌الاسف به سرنوشت کارهای هیئتی، بی‌قاعد و بی‌نظم آلوده شده و در گرداب فعالیت‌هایجانی هضم و هرکدام به تریونی برای سیاست‌گذاری، اطلاع‌رسانی و هدایت کمک‌های مردمی تبدیل شدند. نتیجه این موضوع، درهم‌ریختن تعادل روند خدمات‌رسانی به دلیل شیوع اطلاعات جزیره‌ای و راستی‌آزمایی‌نشده و منحصر به درجه مشاهدات کوچک و میدانی خود و به‌دور از در نظر داشتن تصویر کلی پروسه نجات و کمک‌رسانی خواهد بود.

بی‌شک و طبق روال سابق، مسئولان برنامه‌ریزی در ستاد مدیریت بحران کشور، اطلاعات مختلف جمعیت‌شناختی شهرها و روستاهای حادثه‌زده را مبنای برنامه‌ریزی خود قرار ندادند. اگر کسی کوچک‌ترین تجربه‌ای از کار اجرایی در کشور داشته باشد، می‌داند اساساً این اطلاعات، آن‌چنان‌که به کار بیاید و مفید باشد، وجود خارجی ندارد.

متولیان کمک‌رسانی نمی‌دانند چه ترکیب جمعیتی‌ای در مناطق حادثه‌دیدہ زندگی می‌کرده‌اند. آنها نمی‌دانند که مثلا چند زن، مرد و کودک با چه ترکیب سنی، در چه شهرها و روستاهای ساکن بوده‌اند که بتوانند تخمینی از کمک‌های مورد نیاز به دست آورده و بر اساس آن، کمک‌رسانی را ساماندهی کنند. آنها نمی‌دانند چه تعداد بیمار با چه بیماری‌هایی در کجا زندگی می‌کردند و نیاز به چه داروهای حیاتی‌ای دارند. آنها نمی‌دانند چه مقدار از چه داروهایی در کدام بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها موجود است و در روزهای تعطیل و بحرانی، روش دسترسی و تماس با مسئولان آنها چگونه است. آنها نمی‌دانند چه مقدار از اقلام مورد نیاز اضطراری با چه ترکیب نقشه‌ای در کشور موجود است تا بتوان از نزدیک‌ترین‌ها استفاده کرد. آنها بانک اطلاعاتی را تولیدکنندگان داخلی اقلام مورد نیاز در اختیار نداشته و حتی شماره تلفن‌های آنها را در اختیار ندارند. در سوی دیگر محاسبه اطلاعاتی، مکاسم و فضایی برای ثبت و معاضه مقدار کمک‌های جمع‌آوری‌شده و اطلاع‌رسانی مبتنی بر آنها و نیازسنجی‌های بعدی وجود ندارد. بالاخره مشخص نیست برای فاجعه‌ای، چقدر آب معدنی، نان، پتو و سایر اقلام لازم است و الگوی مصرف و زمان‌بندی استفاده از آنها چگونه است و در چه زمانی با نگاه به کمک‌های جمع‌شده، باید جمع‌آوری آن اقلام را متوقف و کمک‌ها به سمت و سوی دیگر که ازفضا آنها هم مشخص نیستند، هدایت کرد.

مشکلی محوری که ارتباطی به اصل، زمان و وقوع، حجم، وسعت و پیچیدگی سوانح و بلایای طبیعی ندارد، عبارت است از فقدان مرکز داده‌برداری، راستی‌آزمایی، به‌روزرسانی، جمع، داده‌گواهی اطلاعات و نتیجه‌گیری از آنها در کشور که امکان پیش‌بینی‌ها را برای مراحل مختلف خدمات‌رسانی بحرانی و حتی عادی فراهم و ظرفیت سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های داده‌محور را برای سیاست‌گذاران ایجاد می‌کند. یکی از مشکلات بنیادی در دنیای امروز، «زندگی در قعر حیات اطلاعاتی» است که پیش و بیش از همه، خود دولت‌ها را برای خدمات‌رسانی‌های معمول نیز به آن احتیاج دارند؛ چه برسد به مواقع بحرانی. هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار داشت که در بلبشوی اطلاعاتی، فرایندهای خدماتی و عملیاتی، سهمی از ثیفیت و به‌روبری داشته باشند. از سوی دیگر، دولت با وجود اینکه می‌داند در رابطه با ساماندهی‌های اطلاعاتی نتواند بدون حضور راه را برای حضور و حل مشکل از سوی بخش خصوصی باز نگذرد است.

* پژوهشگر سیاست‌گذاری دولت الکترونیک

نان خالی با خانوار ایرانی چه می‌کند؟

بابک بھی . کارشناس اقتصاد

- در خبری کوتاه علی فاضلی، رئیس اتاق اصناف از افزایش ۱۵ درصدی قیمت نان خبر داد و گفت این گرانی از اول آذر خواهد بود.
- این خبر کوتاه و گرانی نان به خودی خود دارای ابعاد بسیاری است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.
- ۱- دستکم برای دهک های زیادی از خانوارهای ایرانی نان خالی خوردن و حساب و کتاب کردن و پول روی هم گذاشتن برای خرید سه نان یا چهار نان، به حساب و کتاب دشوار هر روز بسیاری از پرومادرها درآمده و شده آنچه می بینیم. برخی از کارشناسان و تصمیم گیران با دریافت حقوق های آتچانانی اصلا تصورش برایشان دشوار است که برخی مادرها هر صبح با فکر اینکه امروز کودک خود را با چه چیزی سیر کنند و به سر کلاس و مدرسه بفرستند، از خواب بیدار می شوند یا جست وجو کنندگان سطل نامه زباله را ندیده اند که در میان آن پدران و اخیرا مادرانی وجود دارند که با زیربینی در جست وجوی یافتن زباله ای ارزشمند! در سطل زباله تا کمر خم شده و موشکافی می کنند.
- ۲- تصور کنید که خانواده ای بخواهد با حقوق قانون کاری زندگی کند و هیچ هزینه غیرمتعارفی مثل اجاره، بیمه، پوشاک و... نداشته باشد. در نظر گرفتن حقوق قانونی نزدیک به یک میلیون تومان و خانواری که شامل چهار عضو باشد و هر عضو تنها روزی یک عدد نان برای صبحانه، ناهار و شام بخورد (نان خالی یا نان و آب فقط) اکنون اگر قیمت نان را بر اساس نرخ تصویب شده وزارت بازرگانی نان امروز برای نان سنگک ساده در نظر بگیریم، می شود ۴۰۰۰×۱۰۰۰=۴۰۰۰۰۰ تومان که در روز و یک ماه ۱۲۰۰ هزار تومان؛ یعنی ۱۲ درصد از درآمد این خانواده در صورت شغال بودن صرف خرید نان خالی می شود.
- ۳- حال تصویر کنید که این خانواده یک تصمیم اشراقی و لوکس بگیرد! و بخواهد این نان خالی روزانه را فقط و تنها با ماست بخورد. (یعنی نان و ماست یک صبحانه، ناهار و شام) حال اگر قیمت هر ظرف کوچک ماست را سه هزار و ۳۰۰ تومان فرض کنیم و اگر اعضای این خانواده چهار نفره هم هر وعده تنها یک ظرف ماست را با اینار نسبت به همدیگر مصرف کنند، در ماه ۵۱۶ هزار تومان فقط پول غذای مقوی، کامل، اشراقی و... نان و ماست خالی می شود (یعنی بیش از ۵۰ درصد از کل درآمد این خانواده).
- ۴- به نظر شما در آینده نزدیک تاریخ درباره مدیران و تصمیم گیران ایران چه خواهد گفت؟ پرسش سخت و شجاعانه ای است اما پاسخ به آن چندان دشوار نیست. اصلا هم نیاز به داشتن نردک و دکترا و فوق دکترا در مدیریت یا اقتصاد مدرک و اصلا هم ضرورتی به گذراندن دوره های آینده پژوهی و مدیریت استراتژیک نیست تا بفهمیم این تصمیم گیری های طنز و کمدی توسط برخی مدیران درس خوانده یا درس خوانده با تپترهای بلندبالا چه بر سر سفره خانواده های کم درآمد یا بی درآمد ایران آورده است. به آمارهای بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران نگاه کنید؛ برای نمونه در همه این سالنامه های آماری به صراحت نوشته شده که حداقل براساس محاسبات آنها ۱۵ درصد مردم ایران در این کشور بی شغل و شاغل هستند؛ یعنی درآمدی ندارند یعنی پول ندارند اما عقلا می دانیم که صبح ها گرسنه می شوند- همان طور که طرهما گرسنه می شوند و شب ها هم گرسنه می شوند؛ درست مثل همه حتی ما مدیر و مسئول عزیز.

قدیمی است که در طرف عرضه تولید، خودبخود باعث توازن عرضه و تقاضا در بازار داخلی شده و قیمت‌های آلاهای داخلی را افزایش می‌دهد که این خود انگیزه‌ای برای گسترش تولیدات داخلی می‌شود. اما همان‌طور که دولت در حوزه عرضه برای عبور از بارود نقشی اساسی دارد، در حوزه تقاضا نیز نقش دارد؛ زیرا افزایش تقاضا از طریق افزایش قدرت خرید انبوه در بازار داخلی نیز در شرایط مشخص اقتصاد ایران خودبخود به‌وجود انجام نمی‌شود. افزایش دستمزدهای و کارمندان، در شرایط کاملاً مونوپولیتیک و با آزادی سندیهای کارگری و فشار اجتماعی آنها به کارفرمایان انجام می‌گیرد. برای نمونه، در کشورهای بازار مشترک اروپا تا زمانی که سندیهای کارگری از قدرت کافی برخوردار بودند، سطح دستمزد و در نتیجه قدرت خرید انبوه افزایش داشت، اما به موازات سیاست‌های نوآوری و ایجاد بی‌کاری انبوه، قدرت چانه‌زنی سندیها نیز روال نزولی یافت و به همین دلیل سطح دستمزدها در چند دهه اخیر در این منطقه کاهش پیدا کرد. در ایران نیز دستمزدهای آزاد وجود ندارند. افزایش سطح دستمزد به یکی از وظایف مهم دولت تبدیل می‌شود. در این زمینه، اهرم‌های گوناگونی وجود دارد؛ اول اینکه دولت از طریق قانونی حداقل سطح دستمزد را افزایش دهد. دوم اینکه تسهیلات جدی در راستای کاهش مخارج کارگران و کارمندان افزایش یابد؛ زیرا کاهش مخارج زندگی، قدرت خرید انبوه را افزایش می‌دهد. در این راه، دولت امکان فراوانی دارد. برای نمونه، می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان، عرضه امکانات مسکونی را گسترش داده و مخارج مسکونی را کاهش دهد. اصولاً تمام اقدامات دولت از افزایش رفاه عمومی جز، اهرم‌های افزایش خرید انبوه اقشار کم‌درآمد است.

منابع افزایش درآمدها

مسئله بسیار حساس، این است که دولت چگونه می‌تواند منابع مالی سیاست‌گذاری‌های لازم را تأمین کند. راهی که تا به حال در کشور برای جبران هزینه‌ها اتخاذ شده است، این بوده که دولت به طرق مختلفی حجم وام‌های دولتی و در نتیجه حجم نقدینگی را افزایش دهد که البته این ساده‌ترین و بی‌زحمت‌ترین، اما بدترین راه ایجاد منابع مالی است. از یک طرف، دولت این راه را انتخاب می‌کند؛ زیرا برای جبران گروه اجتماعی که با مخالفت با این سیاست‌های بی‌حی‌خیزد و مخالفت ارگان‌های مقننه نیز آن‌گونه برپیکر نیست که مانعی جدی برای دولت در اتخاذ این راه ساده بشود؛ از طرف دیگر، می‌دانیم که افزایش نقدینگی تورمزا است و تاوان این سیاست را با خود اکثریت مردم و به‌خصوص گروه‌های کم‌درآمد می‌دهند و اصولاً به دلیل تورم‌زا بودن، افزایش نقدینگی هیچ‌گاه قدرت خرید آن‌بوه را افزایش نمی‌دهد.

بنابراین عمده‌ترین و مؤثرترین اهرمی که در دست دولت باقی می‌ماند، تقسیم عادلانه درآمد از طریق افزایش درخور ملاحظه مالیات برای ثروتمندترین گروه جامعه و انتقال درآمد از این گروه به اکثریت شهروندان است. در این صورت، نقدینگی برای افزایش پیدا نمی‌کند و دولت با انتقال بخشی از قدرت خرید واقعی از یک گروه به گروه دیگر، به منابع لازمی دست پیدا می‌کند که برای افزایش قدرت خرید انبوه و به‌رانداختن چرخ اقتصاد، ایجاد رونق و عبور ساختاری از رکود احتساب‌ناپذیر است.

در حقیقت دولت از این طریق می‌تواند از خروج قدرت خرید طبقات ثروتمند از بازار تولید و مصرف و سرازیر شدن آن به شکل سرمایه به بخش‌های غیرمولد اقتصاد از قبیل بورس‌بازی زمین و املاک نیز جلوگیری کند. به نظر من موفقیت یا موفق نشدن دولت در رفع مشکلات رونق اقتصادی به کوشش‌های بسیار جدی در تعدیل درآمدها قفل شده است و به‌طور عمده، کیفیت و قدرت اصلاح‌طلبی دولت را در این زمینه عیان می‌کند. اگر دولت در این راه موفق نشود، در کل دولت موفق نخواهد بود و فرصت تاریخی بسیار مهمی را از دست خواهد داد.



کره جنوبی



ژاپن



عمان



دفتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی

مدیران محترم

- ✓ برگزاری تورهای هدفمند، بازدید از کارخانجات و صنایع
- ✓ شرکت در نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌ها
- ✓ برگزاری تورهای علمی، فرهنگی و اقتصادی
- ✓ ملاقات با مدیران شرکت‌ها
- ✓ انجام امور مرتبط و تسهیلات جهت عقد قراردادها

از اهداف و توانمندی‌های مجموعه فطرس جهت کمک به کسب و کار شماست.

• صدور بلیط‌های داخلی و خارجی • رزرواسیون هتل • میزبانی از مهمانان خارجی شما و اخذ ویزای ایران

FOTROS.TRAVEL

آژانس هواپیمایی فطرس بر گزار کننده تورهای تخصصی، نمایشگاهی، صنعتی، پزشکی، اقتصادی و فرهنگی

اخذ ویزای عمان ، ژاپن و کره جنوبی

۱۱۱ ۹۹ ۸۸۸

حضور مشاوران مادر مجموعه شما ، در هر نقطه‌ای از ایران